

پیش‌گفتار

کشورهای تازه استقلال یافته‌ای که امروزه تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان، قزاقستان و قرقیزستان نامیده می‌شوند و ایالت اوغورستان در شرق چین که چینیان آن را سین کیانک می‌خوانند؛ به نحو تاریخی زیرمجموعه ایران بزرگ فرهنگی و زیر سایه گسترده فرهنگ و تمدن ایرانی بوده است. این مناطق به غلط به تقلید از اروپاییها آسیای مرکزی یا به تقلید از روسها آسیای میانه خوانده می‌شود، در حالی که در منابع تاریخی و ادبی به عربی ماوراءالنهر و به پارسی وراورد نامیده شده و با عبارت دیگری امروزه، فرارود نیز خوانده می‌شود.

منطقه فرارود بخش مهمی از ایران بزرگ فرهنگی است که امروزه ذهن ایرانیان را کمتر به خود مشغول می‌دارد. شاید تنها ایرانیانی که به این منطقه بزرگ سفر کرده‌اند و شهرها و روستاهای آن را از نزدیک دیده‌اند و با مردمان آن از نزدیک هم‌کلام شده‌اند و گفته‌اند و شنیده‌اند، می‌دانند که در این منطقه چه کارهای فرهنگی که باید و نشده، تا این پاره‌های جدا افتاده از مام به همدیگر پیوند بخورد. آنها که نرفته‌اند و ندیده‌اند به هیچ روی نمی‌توانند تصور کنند که هنگامی که یک ایرانی را می‌بینند و یا سخنی درباره ایران می‌شنوند؛ چه شوری در چشمان، چه میلی در دلها و چه اشتیاقی در سخنان این مردمان است. تا کسی از نزدیک نبیند باور نخواهد کرد که این شوق تنها در میان فارسی‌زبانان این دیار نیست، که ترکان این دیار نیز چنین‌اند. ترکانی که بر همه دخترکانشان نامهای زیبای پارسی می‌گذارند. نامهایی که حتی در ایران کنونی شاید معمول نبوده و مهجور افتاده باشد. فرارودیان از هر قوم و ساکن هر شهر، لغاتی را به کار می‌برند که ما می‌شناسیم و می‌فهمیم و از شنیدن آن لذت می‌بریم ولی در ایران آنها را به کار نمی‌بریم و معادل بیگانه‌اش در بین ما رایج شده است. مسافران سرزمین فرارود همواره با این پرسش روبه‌رو می‌شوند که آیا فرارودیانی که این چنین پارسی سخن می‌گویند ایرانی نیستند؟ من در تاشقورغان در شرق اوغورستان، جایی که حدود چهار هزار کیلومتر از پایتخت معاصر ایران فاصله دارد، زبان فارسی شنیدم که انگار فردوسی سخن می‌راند. در آن کوهستان، گنج پارسی هزار سال از غارت و یغما مصون مانده بود. میزبانان نه تنها زبان پارسی، بلکه فرهنگ میهمان‌نوازی ایرانی را هم پاس داشته بودند. پس از دعوت به خانه برای خوردن چای کبود و نان، گفتند: «عزت یاران بجا نشد بخشش باید».

هنگامی که از فرارود می‌گوییم باید بدانیم که درباره بخشی از ایران بزرگ فرهنگی سخن می‌گوییم که کمتر از آن گفته شده و اندک درباره آن نوشته شده است. جای بسی خرسندی است که هم اکنون در ایران، در دوره‌های آموزش عالی رشته تاریخ، گرایشهای گوناگون در پیوند با فرارود شکل گرفته و دانشجویان علاقه‌مند بسیاری را به خود مشغول داشته است. این نوید آینده خوبی برای پیوند پاره‌های جدا افتاده فرهنگی به ما می‌دهد. هر چند گرایشهای گوناگون با

درسهای مشخص برای این رشته‌ها در تاریخ، در مقاطع مختلف کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در نظر گرفته شده ولی کتابهای آموزشی طبقه‌بندی شده و اختصاصی در پیوند با موضوعهای این درسهها هنوز تدوین نشده است. یکی از مقدماتی‌ترین و مهم‌ترین این درسهها، جغرافیای تاریخی فرارود است. تاکنون کتاب ویژه‌ای در این باب پرداخته نشده، از این روی بر آن شدم که پیشاهنگ این کار باشم و به عنوان پیش‌درآمد و در حد یک کار مقدماتی، کتابی درباره جغرافیای تاریخی فرارود تدارک نمایم تا برای درس جغرافیای تاریخی در دوره‌های کارشناسی و کارشناسی ارشد به کار آید و برای دانشجویان راهنما و کارگشا باشد.

در پایان از زحمات بی‌دریغ سرکار خانم مژگان امیری پریان برای ویرایش فنی و نمونه‌خوانی این کتاب تشکر می‌نمایم.

حسن شجاعی مهر

مهر 1390